ارزیابی شرایط دیپلماسی ایران در گفت‌وگو با علی مطهری

معتقدم هنوز به نقطه بحران نرسیده‌ایم

عبدالرحمن فتح‌الهی: گویا پروژه تنش‌زایی در روابط ایران و اروپا ذیل تحریکات انگلستان به‌ویژه پس از اعدام علیرضا اکبری به نقطه اوج خود رسیده است؛ تا جایی که به نقل از خبرگزاری فرانسه، جیمز کلورلی، وزیر خارجه انگلیس، روز دوشنبه با اشاره به اعدام این جاسوس دوتابعیتی عنوان کرد فعلا درباره شدت و وسعت تدابیر آتی لندن علیه تهران نمی‌تواند سخن بگوید، اما هم‌زمان تأکید کرد انگلستان خود را به اقداماتی که تاکنون اعلام شده، محدود نخواهد کرد. این جمله سکاندار سیاست خارجی انگلستان به آن معناست که دور جدید و بی‌سابقه‌ای از بحران‌آفرینی در روابط با ایران به واسطه تحرکات انگلستان شکل گرفته است. پیرو این نکته، سخنگوی نخست‌وزیر انگلیس نیز در این زمینه عنوان کرد لندن در حال بررسی اقدامات بیشتری به همراه شرکای بین‌المللی علیه ایران است. در ادامه حتی رئیس کمیته دفاعی مجلس عوام انگلیس نیز معتقد به تشدید سیاست‌های ضدایرانی لندن است. به گزارش روزنامه تلگراف، توبیاس اِلوود، رئیس کمیته دفاعی مجلس عوام انگلیس، در گفت‌وگو با شبکه رادیویی تایمز گفت: «مهم است بدانیم که ایران به کجا می‌رود، اما به نوعی بسیار شبیه به مورد روسیه، به‌قدر کافی کاری برای ایستادن در برابر ایران، نفوذش از طریق نیروهای نیابتی در لبنان، سوریه، یمن، عراق و جاهای دیگر انجام نداده‌ایم». البته این پایان دسیسه‌های لندن علیه تهران از ابتدا هفته جاری نیست؛ در ادامه وزیر امور خارجه انگلیس برای رایزنی درباره ایران و سایر موضوعات به آمریکا و کانادا سفر کرده است. آن‌طور که روزنامه گاردین خبر داد، جیمز کلورلی قرار است ابتدا به آمریکا و سپس به کانادا سفر کند تا با همتایان خود و دیگر مقامات ارشد این کشورها دیدار داشته باشد. بنا بر اعلام وزارت امور خارجه انگلیس، وی (کلورلی) در جریان این سفر که از دیروز (سه‌شنبه) آغاز شده، با آنتونی بلینکن، همتای آمریکایی خود و همچنین ملانی جولی، وزیر امور خارجه کانادا، دیدار و به‌ویژه درباره حمایت از اوکراین در جریان جنگ با روسیه رایزنی خواهد کرد. وزارت امور خارجه انگلیس به‌علاوه اعلام کرد جیمز کلورلی درباره ایران و اجرای حکم اعدام علیرضا اکبری، جاسوس دستگاه‌های اطلاعاتی انگلیس گفت‌وگو خواهد کرد. اینها علاوه بر آن است که انگلیس پیش‌تر در واکنش به اجرای حکم علیرضا اکبری، سفیر خود در تهران را به‌طور موقت فراخواند و علاوه بر تحریم دادستان کل ایران، به دنبال آن است که سپاه را در لیست گروه‌های تروریستی قرار دهد. به موازات آن، هلند و آلمان هم اقدام مشابهی را در دستور کار دارند. در کنار آن یکی از دستورکارهای مهم دور جدید نشست پارلمان اروپا در استراسبورگ فرانسه به این موضوع اختصاص دارد که می‌تواند به تنشی بی‌سابقه و بحران در روابط ایران و اروپا منجر شود. در سوی دیگر برخی کشورهای همسو با ایران هم در هفته‌ها و ماه‌های اخیر رفتاری از خود نشان داده‌اند که به باور طیفی از کارشناسان، به‌نوعی گزاره «دورشدن» از تهران را تقویت می‌کند؛ چون برخی اقدامات، تصمیمات، مواضع و تحرکات برخی کشورها از چین گرفته تا ونزوئلا و اخیرا عراق، حکایت از آن دارد که تهران در حاشیه سیاست خارجی این بازیگران قرار دارد. مجموعه شرایط فعلی، «شرق» را بر آن داشت تا در گفت‌وگویی با علی مطهری به بررسی وضعیت سیاست خارجی ایران بپردازد. در گپ‌وگفت با نایب‌رئیس مجلس دهم و تحلیلگر مسائل سیاسی سعی شده است روی چرایی رسیدن وقایع به این نقطه در عرصه دیپلماسی تمرکز و به این سؤال پرداخته شود که آیا ایران به واقع وارد دوره سختی دیپلماتیک شده است یا خیر؟

عکس: سهند تاکی، شرق

◆ با توجه به روند اتفاقات در ماه‌های گذشته، شاهد شکل‌گیری، تداوم و تشدید تنش در سیاست خارجی ایران هستیم که با اعدام علیرضا اکبری، جاسوس دوتابعیتی، این تنش خود را در قامت گسل نشان داده است. این گسل هم به واسطه مجموعه اقدامات انگلستان و کل اروپا در همین ۷۲ ساعت اخیر به قدری پررنگ شده که برخی از آن به‌عنوان بحران در سیاست خارجی ذیل مناسبات ایران و قاره سبز نام می‌برند. آیا به باور شما یک اعدام می‌تواند موتور محرکه این سیاست رادیکال اروپایی‌ها علیه تهران باشد یا عوامل دیگری در برون‌داد نگاه ضدایرانی و تقابلی اروپایی‌ها مؤثر بوده است؟

بدیهی است که مسئله صرفا به اعدام علیرضا اکبری بازنمی‌گردد و در این میان عوامل و پارامترهای دیگری هم باعث شده است اکنون اروپایی‌ها نگاه مثبتی به ایران نداشته باشند.

◆ مشخصا چه پارامترهایی؟

به نظر من مهم‌ترین عاملی که باعث شده است اکنون اروپا این گسل را با ایران در دستور کار قرار دهد، به جنگ اوکراین بازمی‌گردد. اگر می‌بینید پارلمان انگلستان، مقامات این کشور یا در یک نگاه کلی‌تر پارلمان اروپا اکنون سیاست ضدایرانی را در پیش گرفته‌اند، بیشتر به مسئله ایران با روسیه بازمی‌گردد. به هر حال موضوع همکاری‌های ایران با روسیه سبب شد پای ایران هم در حواشی مباحث این جنگ باز شود؛ جنگی که امنیت کل اروپا را به شکل مستقیم تحت تأثیر قرار داده است. به همین دلیل طبیعی است که اروپا اکنون نگاه مثبتی به ایران نداشته باشد و هر موضوعی را به سرفصلی برای مقابله با ایران تعریف کند.

◆ در راستای سؤال نخست، واقعا اعدام یک جاسوس دوتابعیتی تا چه اندازه می‌تواند به موتور محرکه‌ای برای تقابل اروپا و به‌خصوص انگلستان با ایران بدل شود؟

باید پذیرفت که علاوه بر مسئله جنگ اوکراین، اعدام علیرضا اکبری هم در به‌وجودآمدن شرایط کنونی بی‌تأثیر نبوده است. این فرد یک دوتابعیتی بوده و به همین دلیل اعدام او برای انگلستان و کل اروپا حساسیت‌برانگیز است. به همین دلیل این اعدام هم در شکل‌گیری شکاف کنونی در روابط ایران و اروپا مؤثر بوده است. اما باز هم تکرار می‌کنم که عامل اصلی‌تر در این مسئله به جنگ اوکراین و روابط ایران با روسیه بازمی‌گردد.

◆ با این وصف در همین موضوع مشخص از شما بپرسم که به واقع همکاری ایران با روسیه را تا به این حد از نظر آنان مخرب می‌دانید؟

همدلی ایران با روسیه، آن‌هم در شرایط کنونی، به صلاح ایران و منافع کشور نبوده و نخواهد بود؛ چون متأسفانه همین دلیل (اتهام کمک‌های ایران به روسیه) باعث شده است اروپایی‌ها هم‌اکنون به دنبال پاسخ متقابل علیه ایران باشند.

◆ با توجه به مجموعه شرایط کنونی در حوزه سیاست خارجی، به کار بردن لفظ «بحران» را تا چه اندازه درست و بجا می‌دانید؟ آیا تهران به نقطه بحرانی در روابط خود با اروپا وارد شده است؟ چراکه به نظر می‌رسد اروپایی‌ها در نشست استراسبورگ فرانسه سعی دارند نهاد نظامی رسمی ما را در لیست گروه‌های تروریستی قرار دهند که در این صورت می‌تواند نقطه اوجی در بحران ایران و اروپا تلقی شود؟

اول اینکه هنوز مشخص نیست اروپایی‌ها تصمیم نهایی خود را گرفته باشند که این کار را انجام دهند؛ چون مشخص نیست اروپا واقعا بتواند چنین تصمیمی بگیرد. ظاهرا اکنون مقامات پارلمان اروپا در نشست فرانسه کماکان در حال رایزنی و گفت‌وگو بر سر این موضوع هستند که آیا اصلا این کار را انجام دهند یا نه؟ اما گذشته از این، ایران هم باید رفتاری منطقی و هوشمندانه در حوزه سیاست خارجی از خود نشان دهد که خدای ناکرده هزینه مضاعف و بیجایی را برای کشور و منافع ما ایجاد نکند.

◆ منظور شما چه هزینه‌ای است؟

اینکه خدای ناکرده در نهایت کار به جایی برسد که اروپایی‌ها سفرای خود را از ایران فرا بخوانند و شاهد قطع روابط دو طرف باشیم؛ چراکه این مسئله به شکل مستقیم و فوری بر حوزه اقتصادی و تجاری ما اثر مخرب دارد و مشکلاتی را برای کشور به دنبال خواهد داشت. بنابراین تاکید دارم که باید در حوزه سیاست خارجی و دیپلماسی با تدبیر مسائل را بررسی کرد و دست به اقدام زد. اما اگر در نشست فرانسه نهایتا اروپایی‌ها تصمیم بگیرند یک نهاد نظامی ما را در لیست گروه‌های تروریستی خود قرار بدهند، آن زمان می‌توان گفت سیاست خارجی و روابط ایران و اروپا وارد نقطه بحرانی خود شده است.

◆ هنوز پاسخی برای سؤال خود دریافت نکردم. آیا شما به‌طور مشخص اکنون روابط ایران و اروپا و در کل سیاست خارجی کشور را بحرانی می‌دانید یا خیر؟

من هنوز معتقدم به نقطه بحران نرسیده‌ایم.

◆ اجازه دهید روی نکته مهمی که به آن اشاره کردید قدری تمرکز کنیم؛ فراخواندن سفرای کشورهای اروپایی از ایران و در نهایت قطع روابط ایران و اروپا. در برهه‌ای، ذیل ماجرای میکونوس شاهد فراخواندن سفرای کشورهای اروپایی از ایران و نهایتا قطع روابط ایران و اروپا بودیم. به همین دلیل برخی از کارشناسان، تحلیلگران و ناظران امر معتقدند اقتضائات کنونی هم در صورت ادامه و تشدید می‌تواند به تکرار همان اتفاق منجر شود. آیا اساسا قرابتی بین شرایط فعلی و گذشته وجود دارد؟

من در این زمینه نگاه بدبینانه‌ای ندارم و فکر نمی‌کنم کار به قطع روابط ایران و اروپا کشیده شود، ولی متأسفانه باید به این واقعیت هم اشاره کرد که وزارت امور خارجه ایران عملا نقش مولدی برای کنترل و مدیریت وضعیت کنونی در عرصه سیاست خارجی از خود نشان نمی‌دهد؛ رفتار دولت و وزارت امور خارجه به یک رفتار حاشیه‌ای شبیه است. برای مثال همین ترسیم روند و مسیر روابط ایران و اروپا به نظر می‌رسد دولت در شکل‌گیری محتوای این رابطه خیلی پویا عمل نمی‌کند که در چه سطحی و چگونه رابطه‌ای داشته باشد. در مثال دیگر به همین اعدام علیرضا اکبری بازگردیم. اگر این فرد حتی یک جاسوس دوتابعیتی هم باشد، باید این سؤال را پرسید که چرا در این برهه حساس باید اعدام شود؟ آیا نمی‌شد در وقت دیگری این تصمیم را اجرائی کرد؟ چرا در شرایطی که کشور با ناآرامی‌های چهار ماه اخیر دست‌به‌گریبان است و جامعه جهانی حساسیتی جدی روی تحولات ایران دارد، ما باید این جاسوس دوتابعیتی را اعدام کنیم که در ادامه به نوعی با این ناآرامی‌های اخیر در کشور مخلوط شود؟ آیا نمی‌شد این فرد را چند ماه دیگر اعدام کرد که هزینه گزاف، مضاعف و بیجایی برای سیاست خارجی و منافع ایران به دنبال نداشته باشد؟ پس می‌بینید که سیاسیون و دیپلمات‌ها در مسئله سیاست خارجی و دیپلماسی اهرم و نقش تأثیرگذاری ندارند و در این میان دولت و وزارت امور خارجه انگار در حاشیه قرار دارند. این روند برای سیاست خارجی ایران به‌هیچ‌وجه خوب نیست.

◆ فارغ از این بحث‌ها، بسیاری بر این واقعیت تأکید دارند که اگر تنش و بحران کنونی به نقطه بازگشت‌ناپذیر برسد، تهران نهایتا ممکن است مجبور شود برخلاف میل و منافع خود دست به اقداماتی بزند، به‌ویژه اینکه بحران در سیاست خارجی عملا با مشکلات موجود در مسائل داخلی از حوزه اقتصادی و معیشتی گرفته و به‌تازگی به حوزه انرژی گره خورده است. آیا نتیجه تداوم این روند عقب‌نشینی تهران و دادن امتیاز خواهد بود؟

بله؛ اما مسئله مهم‌تر اینجاست که چرا به این نقطه رسیده‌ایم؟

◆ پس من هم از شما می‌پرسم. چرا به این نقطه رسیده‌ایم؟

به نظر من شرایط کنونی نتیجه روند اشتباه در سال‌های اخیر بوده است. وقتی در عرصه‌های حساسی مانند سیاست خارجی به جای افراد آشنا به امور، با دیگرانی که آشنایی کاملی از این حوزه ندارند، پر می‌شود، نهایتا ما به این وضعیت می‌رسیم؛ یعنی از قبل هم پیش‌بینی می‌شد که کشور مسیر درستی در پیش نگرفته است. این‌همه افراد مدیر، مدبر و آشنا به امور کلا به حاشیه رفته‌اند و برخی طیف‌ها امور کشور را به دست گرفته‌اند. طبیعتا این نوع از اداره کشور ما را به سمت شرایط نامطلوب سوق می‌دهند. اینجا باید گفت که واقعا تداوم این روند به صلاح کشور نیست و با اصلاح این مسیر، باید تنش کنونی در عرصه سیاست خارجی و به‌خصوص روابط‌مان با اروپا را تعدیل و بعد ترمیم کنیم.

◆ این گزاره شما یک ادعای کلی است. برای گذار از کلی‌گویی و عبور از بحران، شما چه پیشنهادی دارید؟ به‌واقع در کوتاه‌مدت چه تصمیمی می‌توان برای کشور گرفت؟ فارغ از برخی برنامه‌های بلندمدت یا شعار آیا می‌توان در کوتاه‌مدت اقدامی برای تعدیل وضعیت کنونی انجام داد؟

البته که می‌توان. مسیر کاملا روشن است. به نظر من اولین گام خارج‌شدن ایران از حواشی جنگ اوکراین است. ما باید شائبه حمایت خود از روسیه را برطرف کنیم که بیش‌ازاین متحمل هزینه و تبعات مخرب بر همه امور کشور نشویم. در ادامه و گام بعدی درباره برخورد با معترضان و حقوق بشر باید ملایمت بیشتری از خود نشان دهیم. در گام نهایی هم باید به سمت احیای برجام برویم تا مشکلات کشور کاهش یابد. متأسفانه اکنون به دلیل سایه جنگ اوکراین و موضوع حقوق بشر چالش در حوزه سیاست خارجی به نقطه‌ای از تنش رسیده است که اروپایی‌ها و آمریکا بارها و صراحتا گفته‌اند تمایلی برای احیای برجام ندارند و مذاکرات هسته‌ای در اولویت سیاست خارجی آنها قرار ندارد؛ بنابراین اگر می‌خواهیم دوباره مذاکرات هسته‌ای به اولویت سیاست خارجی اروپا و آمریکا بازگردد و نهایتا شاهد احیای برجام باشیم، واقعا باید درباره مسائلی که ذکر کردم، دست به یک تغییر رفتار بزنیم و به‌مرور و تدریجا این تنش‌ها را یکی بعد از دیگری رفع و تعدیل کنیم تا با ازسرگیری گفت‌وگوهای هسته‌ای و احیای توافق نهایتا شاهد یک تغییر مثبت در حوزه اقتصادی، تجاری و معیشتی کشور باشیم؛ وگرنه با این شرایط کشور در وضعیت سخت‌تری قرار خواهد گرفت و در سختی‌ها و مشکلات غوطه‌ور خواهد بود.

◆ گام اول خروج از وضعیت فعلی را رفع شائبه حمایت تهران از مسکو می‌دانید. از این منظر آیا افق روشنی برای تغییر شیوه کنونی می‌بینید؟

به نکته مهمی اشاره کردید. من هم متأسفانه این تصور را دارم که ایران در سیاست‌ورزی روس‌ها گرفتار است. حتی اگر در دیگر موضوعات سیاست خارجی و به‌خصوص احیای برجام هم می‌بینید که به موفقیتی دست پیدا نکرده‌ایم، به دلیل همین گرفتاری‌مان در حواشی جنگ اوکراین است. دراین‌بین متأسفانه همچنان در مسیر مطلوب روسیه قرار داریم؛ چون به دلیل علاقه خاصی که در برخی از جریان‌های سیاسی کشور برای همسویی بیشتر با روس‌ها وجود دارد، ما دچار سرنوشت تلخ و مشترکی با مسکو شده‌ایم؛ یعنی در جنگی که هیچ ارتباطی به ما ندارد، اکنون ایران هم به اندازه روسیه متحمل فشارها و هجمه‌های سیاسی، دیپلماتیک و رسانه‌ای در سطح جهانی شده است. چرا باید شاهد این وضع باشیم؟! این کار بسیار اشتباهی در عرصه سیاست خارجی است و مهم‌تر از آن روند کنونی در تضاد با شعار اصلی سیاست خارجی ایران، یعنی شعار «نه شرقی، نه غربی» قرار دارد. ما باید به اصل سیاست خارجی ایران بازگردیم و با هیچ کشور و هیچ بلوکی بیش از حد نیاز ملی و منافع کشوری خود همراه نباشیم.

◆ چگونه؟

باید سیاست‌مداران و دیپلمات‌های مدبر وارد عرصه حساس، خطیر و مهم سیاست خارجی شوند و در گام بعد از قدرت دیگر ارگان‌های در حوزه دیپلماسی بکاهیم.

◆ تعریضی به گفت‌وگو با شما داشته باشیم و وضعیت نامطلوب فعلی در عرصه سیاست خارجی را از ساحت دیگر بررسی کنیم؛ چون علاوه بر سایه سنگین موضوعات مطرح‌شده به نظر می‌رسد که در آن سو کشورهایی مانند چین و به‌تازگی ونزوئلا هم روندی را در عرصه سیاست خارجی در پیش گرفته‌اند که بوی به حاشیه بردن ایران می‌دهد. آیا وضعیت برای ما به قدری تغییر پیدا کرده که حتی از نگاه پکن و کاراکاس هم به حاشیه رفته‌ایم؟

اولا که مسئله تنها به روسیه، چین یا ونزوئلا بازنمی‌گردد. به‌تازگی حتی کشوری مانند عراق هم در مسیری قرار دارد که نوعی فاصله با ایران را به ذهن متبادر می‌کند و امکان دارد که این رویه ادامه‌دار باشد. در ثانی وقتی در عرصه سیاست خارجی ما شاهد یک روند هوشمند، منعطف و مبتنی بر واقعیت نیستیم و کماکان بر برخی اصول نادرست اصرار می‌ورزیم، طبیعتا شرایطی شکل می‌گیرد که علاوه بر رقبا، یقینا ما دوست‌ها و کشورهای همسو با خود را هم دور ببینیم. باید پذیرفت که اکنون اصل اساسی در حوزه سیاست خارجی منافع کشورهاست و هر کشوری براساس منافع خود رفتار می‌کند. روسیه، چین، ونزوئلا، عراق، سوریه و دیگر کشورها به دنبال آن هستند که منافع خود را در ترسیم با روابط با دیگر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای محقق کنند که اتفاقا کار عاقلانه و قابل دفاعی است. این به آن معناست که ما هم باید براساس منافع خود یک روند و پروسه عاقلانه را در عرصه سیاست خارجی و دیپلماسی در پیش بگیریم و به فکر آینده کشور باشیم. نباید این‌گونه فکر کنیم که باید تمام تمرکز و انرژی خود را صرف مقابله با ایالات متحده آمریکا و غرب کنیم. تداوم این نگاه در عرصه سیاست خارجی امکان‌پذیر نیست. باید با تدبیر عمل کرد؛ بله، ما هم قبول داریم که آمریکا دشمن انقلاب اسلامی است و از هر فرصتی برای ضربه‌زدن به ما استفاده می‌کند؛ اما مسئله مهم‌تر اینجاست که ما باید چگونه رفتار کنیم و چه برنامه‌ای در حوزه سیاست خارجی اجرا کنیم که بتوانیم بیشترین منفعت و سود را برای خود تعریف کنیم و در آن سو کمترین هزینه را در مقابله با آمریکا بپردازیم؟ درحالی‌که واقعیت امروز نشان می‌دهد ما به نام مبارزه با آمریکا بیشترین ضربه را می‌خوریم و هزینه و تاوان زیادی را هم می‌پردازیم و در مقابل کمترین سود را دریافت می‌کنیم. پس جا دارد که واقعیات امروز در روابط بین‌الملل را دید. باید آرمان‌های انقلاب اسلامی و شعار اصلی سیاست خارجی دوباره به صدر و اولویت دیپلماسی کشور بازگردد. با شعاردادن، بروز احساسات و رفتار هیجانی نمی‌توان سیاست خارجی را اداره کرد. ما به فکر، عقلانیت و خرد دیپلماتیک نیاز داریم.

◆ گفت‌وگو با شما را قدری عمیق‌تر کنیم. وضعیت کنونی در عرصه سیاست خارجی و دیگر حوزه‌ها را نتیجه برخی وقایع می‌دانید یا روند ۱۷ ماه اخیر بعد از یکدست‌شدن قدرت؟

اگرچه در طول حیات دولت سیزدهم روندی شکل گرفت که متأسفانه دیر یا زود به این نقطه می‌رسیدیم؛ اما وقایعی که در داخل کشور هم شکل گرفت، متأسفانه وجهه ایران را در منطقه و جهان خدشه‌دار کرد تا جایی که متأسفانه به غلط و نابجا بخشی از اعتبار خود را در حوزه دیپلماسی از دست دادیم. ببینید وضعیت در حوزه سیاست خارجی به قدری بغرنج شده و چالش‌ها برای کشور تا جایی پیش رفته است که اکنون ایران در موضوع مشخصی مانند مواجهه با بانوان و حقوق بشر با حکومت طالبان در افغانستان مقایسه می‌شود. آیا واقعا جمهوری اسلامی ایران در ردیف طالبان قرار دارد؟ خیر، به‌هیچ‌وجه این‌گونه نیست. بانوان و دختران در جمهوری اسلامی ایران انصافا از آزادی برخوردارند. در مسئله تحصیل، حضور اجتماعی، حتی حوزه سیاست. اکنون بانوان کشور استاد دانشگاه، پزشک، نماینده مجلس، وکیل، ادیب، نویسنده، نقاش و حتی وزیر شده‌اند. پس هیچ‌گاه نباید حکومت طالبان را با ما قیاس کنند یا برعکس. ولی متأسفانه ایران در موضوع بانوان طوری برخورد کرده است گویا که ایران هم مانند طالبان حقوق و آزادی بانوان را نادیده می‌گیرد و رفتار ایران مانند طالبان بر محدودکردن بانوان تاکید دارد. طی همین چهار ماه در اروپا، آمریکا و کل جهان براساس یک سناریو این‌گونه وانمود شده است که اکنون ایران و طالبان در یک رقابت برای فشار به بانوان قرار دارند. البته در آن سو تبلیغات سیاسی، رسانه‌ای و دیپلماتیک کشورهای متخاصم هم در ترسیم چهره ضد زن از ایران بسیار مؤثر بوده است و ما را در جهان این‌گونه جلوه دادند؛ درحالی‌که واقعا این‌گونه نیست. البته درعین‌حال عملکرد بد و غیر قابل دفاع برخی متصدیان و مسئولان مانند ستاد امر به معروف و نهی از منکر در همین تابستان به گونه‌ای بود که ما به این نقطه رسیدیم. پس باید با یک تغییر رفتار، اعتبار گذشته خود را بازیابیم و با اصلاح برخی سیاست‌ها، چهره خود را در سطح جهان ترمیم کنیم. واقعا جا دارد تنش‌زدایی در سیاست خارجی مانند دوره آقای هاشمی‌رفسنجانی و آقای خاتمی مجددا به اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بازگردد.

دادستان کل کشور:

بنا نیست با مسئله حجاب صرفا «برخورد قضائی» شود

حجت‌الاسلام محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور، صبح روز گذشته در نشست «تبیین نقش زن در جامعه اسلامی» به نقش و جایگاه صدیقه کبری حضرت فاطمه زهرا(ع) در تحکیم مبانی اسلام اشاره کرد و با بیان اینکه حضرت زهرا(ع) در عمر کوتاه خود سرمشقی برای زنان جهان شده است، عنوان کرد: آن حضرت الگوی کاملی برای زنان در تربیت فرزند، خانه‌داری، همسرداری و مسائل اجتماعی و ولایت‌مداری است. وی افزود: فاطمه زهرا(ع) در طول ایام پس از رحلت حضرت محمد(ص) توانست نمونه کامل یک انسان ولایت‌مدار و پیرو ولایت را نشان دهد.

منتظری با ابراز اینکه حضرت زهرا(ع) الگوی زنی است که خود را در پرده حجاب و عفاف مستور می‌دارد، گفت: غرب امروز دنبال غلبه‌دادن فرهنگ منحوس خود به جهان اسلام است و البته این اقدام را از دوران آتاتورک در ترکیه و رضاخان در ایران شروع کردند و دنبال این بودند که حجاب و عفاف زنان را بگیرند.

دادستان‌کل کشور با تصریح اینکه در دنیای غرب زنان به جایگاه واقعی خود نرسیده‌اند، اضافه کرد: غرب نمی‌تواند جایگاه والای زن در کشور اسلامی‌مان را ببیند و بنابراین به دنبال منحرف‌کردن شأن و شخصیت والای زنان ایران‌زمین است.

وی گفت: با مقایسه ارقام و آمار دقیق تعداد زنان شاغل در عرصه‌های مختلف قبل و بعد از انقلاب، شاهد هستیم که بانوان ما در ارتقا و توسعه نظام جمهوری اسلامی و بالندگی آن نقش مؤثری دارند و غرب دنبال سیاه‌نمایی از وضعیت زنان ما تحت عنوان آزادی است.

دادستان کل کشور با تأکید بر اینکه کشف حجاب به موجب قانون در کشور جرم است، توضیح داد: البته بنا نیست با مسئله حجاب صرفا برخورد قضائی صورت گیرد و اعتقادمان بر این است که مسئله بنیادین حجاب را از لحاظ فرهنگی و اخلاقی باید مورد توجه قرار داد.

وی با یادآوری اینکه مسئله حجاب به خانواده و تربیت نسل‌های آنان برمی‌گردد، افزود: غربی‌ها از بی‌حجابی و روابط آزاد زن و مرد چه نتیجه‌ای جز از بین رفتن کانون خانواده و جایگاه انسانی گرفته‌اند؟ اخلاق انسانی اقتضا می‌کند برای روابط بین زن و مرد یک‌سری قواعد و چارچوب‌هایی تبیین شود. اگر اصالت خانواده را بخواهیم، باید این حریم را حفظ کنیم.

منتظری خاطرنشان کرد: باید برای دختران جوان و خانم‌ها این مسائل تبیین شود که اگر پیشرفت‌های مختلف علمی و همه‌جانبه، بقای نسل، حفظ هویت و شأن و کرامت انسانی و اصالت خانوادگی می‌خواهیم، باید یک خانواده در یک چارچوب درست تشکیل شود.

دادستان کل کشور اضافه کرد: اعتقاد داریم قبل از برخورد قضائی با خانمی که کشف حجاب می‌کند، لازم است مسائل برای او تبیین شود. قطعا تبادل نظر و اطلاع‌رسانی درست در مقوله حجاب، لازم و کارساز خواهد بود. وی ادامه داد: امروز بانوان بزرگوار و فرهیخته بسیاری داریم که با پوشش و حجاب مناسب توانسته‌اند مدارج بالای علمی، فرهنگی، هنری، ورزشی و... را کسب کنند.

منتظری با اشاره به اینکه سرمایه ارزشمند نیروی انسانی کارآمد را خانواده سالم می‌تواند به جامعه تحویل دهد، گفت: اسلام به خاطر تربیت فرزند و مدیریت خانواده، جایگاه والایی برای مادران قائل شده است.

از سوی نگاهداری مطرح شد

۱۰ توصیه مرکز پژوهش‌های مجلس برای حل مسئله گاز

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس در تشریح ۱۰ توصیه راهبردی برای حل مسئله ناترازی گاز گفت: حل مسئله ناترازی گاز نه یک راهکار، بلکه نیاز به اقداماتی چندگانه و چندوجهی دارد. این ۱۰ توصیه راهبردی عبارت‌اند از:

۱) توسعه ظرفیت ذخیره‌سازی گاز کشور
۲) جلوگیری از تشدید ناترازی گاز در بخش‌های مختلف
۳) حذف یارانه انرژی از زنجیره گاز و انتقال آن به ابتدای زنجیره به‌منظور تخصیص بهینه یارانه انرژی
۴) اولویت‌دهی به بحث بهینه‌سازی مصرف از طریق اصلاح و تقویت ساختار مربوطه
۵) اولویت‌دهی به تسویه گواهی صرفه‌جویی انرژی مبتنی بر ماده ۱۲ و بازار بهینه‌سازی
۶) خودتأمینی گاز صنایع عمده از طریق ورود به حوزه بالادستی گاز با اولویت گازهای مشعل
۷) تأمین مالی توسعه میادین بالادستی از محل صادرات
۸) رصد و پایش مستمر مصرف گاز در بخش‌های مختلف
۹) کارآمدسازی تعرفه‌گذاری گاز طبیعی
۱۰) فرهنگ‌سازی عمومی برای مصرف بهینه انرژی